



آران - موغان - ارمن - سبلان

چون گاهی در جراید و مجلات راجع بآران و موغان و ارمن و سبلان و بیلاق و قشلاق شامسون و اصطلاحات عامیانهٔ محل مطالبی نوشته میشود که از لحاظ تحقیقات تاریخی بیفایده نمیباشد. علیهذا بواسطه همجواری ومدتها خدمت و مأموریت در این منطقه اطلاعات و محفوظات خود را که بیشتر جنبهٔ درایت دارد تا روایت ذیلا در اختیار علاقمندان میگذارد :

تا چه قبول افتد و چه در نظر آید .

و هر گاه نوشتن بعضی مطالب در نظر برخی از مطلقین توضیح و توضیحات باشد . باید توجه داشت که همه کس همه چیز را نمیداند و چه بسا در همین مقاله بمطالبی پی ببرند که تاکنون بآن توجه نداشته اند .

بیلاق و قشلاق

بظور کلی افراد کوچ نشین که شغل عمدهٔ آنها حشم داریست برای حفظ اغنام و احشام خود از دو محل بیلاق (جای تابستانی) و قشلاق (جای زمستانی) که به فارسی و اصطلاح جغرافیائی گرمسیری و سردسیری نامیده میشود، استفاده مینمایند که در بعضی ایلات مثل قشقای و بختباری فاصله این دو محل که سردسیرشان کوههای صمیرم یا سمیرم و شهر کرد اصفهان و گرمسیرشان تا سواحل خلیج فارس و بحر عمان می رسد واقعاً زیاد و طاقت فرساست و در بعضی هائل ایلات اطراف طهران که دامنه های البرز و دماوند یا یلاق یا بیلاق و اطراف ری و ورامین و کویر قم قشلاقتشان میباشد خیلی نزدیک است .

ناگفته نماند شهر طهران با داشتن این خصوصیت که بیلاق و قشلاق آن سه فرسخ بیشتر فاصله ندارد . واقعاً امتیاز خاص دارد .

ح - بایبوردی
افسر بازنشسته

شاهسونها نیز که قشلاق اکثریتشان صحرای موغان و ارس کنار و بیلاقشان سلسله جبال سیلان و انشعابات آن میباشد میتوان گفت فاصله گرمسیر و سردسیرشان بعدا اعتدال است .

مراعات و سیلان

سیلان از بزرگترین کوههای ایران و از جنبه شمالی با دو قله مجاور آن شبیه آرادات یا آغری داغ و از خلقت عالم تا امروز هیچوقت دو قله بزرگ آن خالی از برف نبوده و از حیثی تهریز که بخط فضائی کمتر از بیست فرسنگه نمیشد دیده میشود و حال آنکه آرادات که از آن بزرگتر است از حدود قره ضیاع الدین بپس خود نمائی مینماید .

در هر حال مسلم است که يك همچو منبع پر بر کتی با مراعات وسیع خود مملو از علفهای خودرو و طبیعی که ایلات و جب بوجب از آن استفاده مینمایند هیچوقت بدون استفاده مانده و هر جا قوم و قبیله وحشم داری که همیشه در آرزوی چنین جائی میباشد فرصت یا بند بمصداق:

هر کجا چشمه بود شیرین مردم و مرغ و مور گرد آیند

بسراغ آن خواهند آمد .

بگذریم از عهد باستان و جنگهای ایران و توران از جمله مغول باینطرف همیشه ایلات محلی و مهاجم از مراعات سیلان و ارسباران و قشلاقات آران و موغان استفاده نموده اند .

البته بیلاقات ارسباران آن قسمت که در زیر و جنوب اهر واقع و در امتداد رشته جبال سیلان اتصال دارد .

جزو سیلان و قسمتهائی که بالا و شمال شهر اهر واقعند مجزی حساب شده و چون در این مقاله صحبت از بیلاق و مراعات شاهسون و سیلان است از این قسمت صرف نظر می نمایم .

اغلب این کوهها از شرق بغرب کشید شده و در این چند سال اخیر هبتهای کوهنورد تا قله سیلان رفته و مشاهدات خود را انتشار داده بودند که مؤید نوشتههای جهانگردان و مورخین قدیم بود .

و بنوشته مورخین قدیم ولغت نامه دهخدا قبری یکی از انبیاء در قلعه آن است و حتی وقتی حضرت رسول در ثواب بعضی اعمال فرموده بعدد و مقدار بر فی که هر سال بکوه سبلان بارد.

از سحابه عرض کردند « سبلان کجاست؟ » فرمودند - بین ارمیه و عجم

بیت :

قبله آفاق قله سبلان دان کوز شرف کعبه وار قطب کمال است
و ناگفته نماند برای گوه سهند بین تبریز و مراغه نیز دریکی از
تذکره ها نوشته بود که قبر زین ابن فرقد از اولاد ائمه کرام آنجاست و
این بیت -

سپهسالار غازی زید فرقد سهندش مشهد آمد قله مرقد
داعنه های سبلان پر از آبهای معدنی است از آنجمله در داعنه
جنوبی طرف اردبیل آب معدنی سردابه - نیر - بیلادره و آبهای معروف
سرعین -

و در داعنه شمالی آبهای معدنی قوتورسو - شاپیل - قینرجه .

آران کجاست ؟

معمولاً در آذربایجان زمین کم عارضه و نسبتاً گرم را آران گویند مخصوصاً
آنطرف رود ارس یا باصطلاح محل آراز قرینه و مجازات دشت مغان را تا
برسد بحدود گنجه و ایروان باین اسم خوانند و کلمه آران مکرر در کتابها
و داستانهای قدیمی آمده حتی محل عقب نشینی بابک خرم دین را در مقابل قشون
خلیفه از قره داغ به قره باغ آران نوشته اند و حتییم نظامی در داستان خسرو
و شیرین مکرر از آران و مغان اسم برده تا جائیکه از قول شاپور ندیم خسرو
پرویز در تعریف از وضع حمال شیرین و عمه اش ملکه آران و ارمن
گوید :

از آنسوی کهستان منزلی چند که باشد فرضه دریای در بند
زنی فرمانده است از نسل شاهان شده جوش سپاهش تا صفاهان
همه اقلیم از آران تا به بارهن مقرر گشته در فرمان آنزن
ندارد هیچ مرزی بی خراجی همه دارد مگر تختی و تاجی

هزارش قلعه بر کوه بلند است
 فصل گل بموغان است جایش
 بتابستان شود بر کوه ارمن
 رخس نسرین و زلفش بوی نسرین
 بر آخر بسته دارد رهنوردی
 نهاده نام آن شهر نك شهیدیز
 نه شیرین تر ز شیرین خلق دادم
 خزینش را خداداند که چند است
 که تا سر سبز باشد خاکپایش
 خرامد گل بگل خرمن بخرمین
 لبش شیرین و ناهش نیز شیرین
 کرو در نك نیابد باد گردی
 بر او عاشقتر از مرغ شب آویز
 نه چون شهیدیز شهر نگی شنیدم
شهیدیز همان اسب معروف خسرو پرویز است که از شیرین باو

رسیده است .

موغان کجاست ؟

مغان یا موغان یا موقان صحرای وسیع کم عارضه قشلاقیست که طولاً از حدود بیله‌سوار تا مصب رودخانه دره یورد بارس و عرضاً در طول رود ارس تا برسد بارتفاعات خروسلو امتداد داشته و آنطرف دره یورد در مسیر ارس تا برسد بخدا آفرین و قریه عاشقلو بالای آن مر بوط بارسباران میباشد، در این اراضی علفهای خود رو طبیعی که برای اغنام و احشام بسیار لذیذ و خوردنیست بر حسب مقدار بارش سالیانه نشو و نما یافته مخصوصاً در حدود **انجیل لو و ساری قمیش** اوائل فروردین که بارتفاع يك متر و بالای زانوی سوار میرسد با گلهای خوش رنگ و معطر منظره بدیعی دارد که دیدنیست.

همچنین يك نوع علف که در محل آنرا **پوشان** گویند و سبز و تازه آن خاصیت سمی دارد و وقتی که خشك و کهنه شد شترها آن را می‌خورند .

از این علف در آنطرف ارس هم هست که روسها **سانتو فین** از آن درست میکنند که برای دفع کرم‌معدده در دنیا بی نظیر است و در ایران محلها بطور طبیعی برای اینکار استفاده میکنند .

ایلات در طول زمان در اراضی موغان محللهائی برای حفظ خود و اغنامشان از چوبو نی یا خشت و گل ساخته که هر کدام با سم باننی یا رؤسا

با اسم طایفه موسوم و بقشلاقات معروف میباشند که طبعاً در دسترس آب بنا می نمایند که گاهی از طغیان ارس نیز آسیب دیده مجبور بتغییر محل می شوند .

بدیهی است در کویر و سایر جاهای ایران نیز برای این قبیل محلها که دسترس نزدیک بآب ندارند از غدیر و کودال و آب انبارهای بزرگی که در زمستان با آب بارندگی پر میشود استفاده می نمایند مانند طوایف اطراف قم که از کاروانسرا و آب انبار بزرگ مستوفی استفاده می نمایند.

سوابق تاریخی موغان

موغان نیز مثل سیلان همیشه مورد توجه صاحبان اغنام قرار گرفته و از لحاظ نزدیکی بآب کوادای ارس و وسعت منطقه در قرون متمادی محل استراحت و ابقا اردوهای عظیم جهانشایان بزرگی مانند امیر تیمور گورکان (داماد) و نادر شاه افشار و آقا محمدخان قاجار و غیره بوده و حتی تاجگذاری و باصطلاح امروز رفرا ندم معروف ۱۱۴۸ هجری قمری نادر در تپه تاریخی اصلاندوز که شرح آنرا چندسال پیش در مجله ارتش نوشته ام و جنگهای خونین ۱۲۲۴ قمری عباس میرزا نایب السلطنه با روسها در این محل انجام گرفته است .

و اینک چند بیت از نظامی و خواجه حافظ در خصوص مغان.

خواجه فرماید :

تا ز میخانه و می نام و نشان خواهد بود
سر ما خنک ره پیر مغان خواهد بود
حلقه پیر مغانم ز ازل در گوش است

ما همانیم که بودیم و همان خواهد بود

در خرابات مغان نور خدا می بینم
و چه نوری ز کجا تا بکجا می بینم

حکیم نظامی درباره آمدن خسرو بسراغ شیرین فرماید :

بصدنیرنگ و دستان راه و بیراه به آذر بسایجان آورد بنگاه

وز آنجا سوی موغان کرد منزل و فغانه عشق آن بتخانه در دل
ایضاً :

از آنجا سوی موغان سر بدر کرد ز موغان سوی خوزستان گذر کرد
ارمن کیجاست؟

انتهای غربی ناحیه آران را ارمن گویند که شامل منطقه آرادات و ایروان مرکز و شیرین مشوقه فرهاد که کن ملکه آنجا بوده که تابستان در اینجا و زمستان در موغان قشلاق مینموده اند و مردم آنجا بحسن صورت شهرت دارند. وصال شیرازی در صحبت دایه شیرین و تسلی دادنش باودر عشق خسرو گوید :

و گر داری هوای صید شاهان بدام آوردن زرین کلاهان
بر افشان حلقه زلب دلاویز مسخر کن هزاران همچو پرویز

حدیث دایه را شیرین چو بشنید کز آن روزیکه مسکن شد عراقم
ز پرویزم زمانی خاطر شاد ولیکن چون هوای بیستون نیز
بباید یک دو ماه آنجا بیکه بود و از آن پس رو باره من کرد و آسود

وحشی بافقی فرماید و بآرمن سکه شاهی بنامش بود از مهر تا ماهی نشان .

عمران موغان

چون اراضی وسیع موغان از بستر ارس بالاتر بوده و آب بان سوار نمیشود باین جهت تا این اواخر قسمتی ام یزرع مانده و نادر شاه که مکرر از این جلگه گذشته و اطراق نموده امر بکنندن نهر و کانال بزرگی ندوده که از شمال بجنوب جاری و هنوز هم آثار آن کاملاً پیداست حتی مظفرالدین شاه نیز در سال ۱۳۱۷ هجری قمری در اولین سفر خود بفرنگستان

در شهر دستف با دیدن ترقیات آنجا خطاب بملتزمین رکاب آرزو و وعده تعمیر و احیای نهر و لئان را که همان نهر نادریست نموده که ظاهراً اثری بآن مترتب نشده است.

لکن از بیست سال باینطرف از طرف دولت و سازمان برنامه سد کوچک و کانالی در حدود دهن شهر که بواسطه مأموریت چندساله آقای سناتور مهندس ابراهیم پارسا که واقعاً سهم کلی در عمران دهن دارد سابقاً پارسا آباد می گفتند ساخته شده هر چند مخارج هنگفتی برداشته لکن باعث عمران و آبادی جزئی از دهن گردیده که سایرین را نیز بذوق و شوق آورده باخرج خوداراضی دیگری را آباد نموده اند.

در هر صورت از سد نهر دولتی دهن شهر و علمیرضا آباد و شاه آباد بوجود آمده و آبادیهای کوچک دیگری نیز استفاده و احداث شده که هسته مرکزی و اولیه دهن را بوجود آورده است.

علاوه از اینها باغ بسیار بزرگی که با متن و حاشیه و اطراف قریب دوست هکتار میباشد بوسیله سازمان برنامه احداث و ایجاد گردیده که نهال و جوانه های آنرا از تبریز و طهران و اصفهان و باغبانها را از یزد و سایر نقاط آورده و در عرض بیست سال باخرج میلیونها پول و زحمت امروز به ثمر رسیده که در وسط صحرای دهن حکم نگین انگشتری را دارد که علاوه از استفاده مردم و تعدیل هوا آبروی دولت در مرز میباشد با اینحال این باغ را از سال گذشته باجاره داده اند و از قراریکه چندی پیش (آذرماه ۴۸) در روزنامه اطلاعات نوشته بودند اخیراً باغ مزبور برای تمرین و استفاده دانشکده کشاورزی دانشگاه تبریز اختصاص یافته که با بعد فاصله و مسافت چگونه و بجه ترتیب اداره و استفاده خواهد شد امر علیحده است.

سد و کانال جدید

سد و کانال جدید که از طرف دولت ایران و شوروی مشترکاً در قزل قشان (جلفا - نخجوان) و ناحیه اصلاندوز ساخته میشود پس از خاتمه و بهره

برداری بکلی وضع موغان را در گرونی خواهد ساخت که آنوقت:

جهان را نو آیین و طرح نو است.

و هم اکنون در شهرهای کوچک نو بنیاد ارس کنار مثل مغان شهر زمین مستغلاتی متری بسصد تومان رسیده و از حالا افراد ایلات و دهات ازدور و نزدیک برای گرفتن دوسه هکتار زمین زراعتی و آب بموغان آمده اصرار و التماس داشتند که این مسئله با همه علاقه مردم داری و حسن نیت آقای خسرو مرزبان سرپرست امور و عمران مغان گرفتاری روزمره ایشان بود.

البته تشکیلات عمرانی اصلاح اندوز که بیشتر در بوط بوزارت آب و برق و سد میل و مغان میباشد بجای خود محفوظ و در آتیه ترقی زیاد خواهد داشت. و سالیکه نکوست از بهارش پیداست

اراضی توقیفی

در قسمت حسن خانلوی مغان تا برسد به نزدیکی بیله سوار سالها يك قسمت اراضی بایر و ورد اختلاف سرحدی بود که در تجدید حدود سال ۱۳۳۴ شمسی از این قطعه زمین بعرض دو و طول پنجاه کیلومتر بفتح ایسران رفع مزاحمت شد.

طهران دیماه ۴۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی